

اعتصاب کارگران
شرکت گاز دماوند

اعتصاب در کارخانه
احیاء ۲ اهواز

راهپیمائی کارگران
نساجی شهناز اصفهان

روابط عمومی حزب: مریم نمازی

تلفن: 00447719166731

فکس: 00448701351303

wpipr@ukonline.co.uk

دبیر خانه حزب: شهلا دانشفر

تلفن: 00447950517465

markazi@ukonline.com

رادیو انترناسیونال

۹ تا ۹/۴۵ بوقت تهران

۴۱ متر ۷۵۲۰ کیلوهرتز

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

سیاوش

دانشور



siavash.d@yahoo.com

شب چهارشنبه آخر سال جوانان و مردم در اکثر شهرهای ایران، بار دیگر و در ابعاد وسیع، پیام سرنگونی و نخواستن حکومت اسلامی را کف دست سران و کاربدستان جمهوری اسلامی گذاشتند. چهارشنبه سوری فرصتی شد تا میخی دیگر بر تابوت رژیم اسلامی کوبیده شود. حرف مردم در اجتماعات هزاران نفره و دهها هزار نفره در هر گوشه ایران روشن و صریح بود: جمهوری اسلامی نمیخواهیم، اسلام و مذهب و آخوند نمیخواهیم، آپارتاید و جداسازی و اختناق نمیخواهیم، شادی و زندگی میخواهیم، آزادی و رفاه و یک جامعه خوشبخت میخواهیم. چهارشنبه سوری امسال اعلام علنی و توده ای یک نه بزرگ و یک دهن کجی میلیونی به جمهوری اسلامی بود. روز لگد کردن قوانین اسلامی و آپارتاید جنسی بود.

اجتماعات و تظاهراتها و جشن های علنی و توده ای در حالی برگزار شد که رژیم اسلامی در خیلی از شهرها تدابیر امنیتی شدیدی را تدارک دیده بود و در بعضی شهرها رسماً تهدید کرده بود. مردم پاسخ اوپاش حکومتی را با اجتماعات هزاران نفره از جمله در تهران، کرج، ارومیه، تبریز، مشهد، اصفهان، رشت، آبادان، اهواز، سنندج، شیراز، مهاباد، سقز، بانه مریوان، اشنویه، سردشت، میانه، قائم شهر و صدها شهر و شهرک دیگر دادند. خیابانها و محلات و پارکها به اماکن جشن و شادی عمومی تبدیل شدند. حجاب ها برداشته شد و دیوارهای آپارتاید جنسی در هم شکسته شد. روحیه تعرضی جوانان و مردم در تقابل با نیروهای سرکوبگر، اعتماد بنفس و روحیه اعتراضی بالا، مقابله

چهارشنبه سوری ۷۹: تمام خشتهای حکومت لرزید

در جدال با رژیم اسلامی است که این صحنه ها را خلق میکنند. امید به پیروزی را، شب چهارشنبه در چهره تک مردم میبشد مشاهده کرد. آنروز که عمارت خونین حکومت اسلامی توسط مردم آزادیخواه ویران شود، دور نیست. شب چهارشنبه، مردم سرنگونی طلب قدم بزرگی به جلو برداشتند. جدالهای بزرگ بزودی فرامیرسد.

برخی از مناطق از دست مردم فرار کردند. در عین حال، مردم در این روز هم خودشان و هم رژیم اسلامی را تست کردند. نیروی خود را به میدان آوردند و عزم و اراده عمومی برای سرنگونی رژیم اسلامی را به یکدیگر نشان دادند. این سرنخی بود به آنچه که مردم بی صبرانه انتظارش را میکشند. این امید به یک زندگی بهتر و امید به پیروزی

دسته جمعی با دستگیری، حمله به خودروها و اماکن دولتی، شعار علیه سران رژیم و آخوند و پاسدار و بسیجی، خصوصیت واقعی اجتماعات مردم ایران در روز چهارشنبه سوری بود. علیرغم دستگیری صدها نفر در تهران و ارومیه و سنندج و مهاباد و اصفهان، مجموعاً نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی از وحشت گسترش اعتراض و اجتماع مردم محتاطانه عمل کردند و در

۸ مارس ۱۳۷۹ یک روز تاریخی بود

کمپین حزب کمونیست کارگری دو وجه داخلی و بین المللی داشت. در ایران برای اولین بار بعد از بیست سال سرکوب خونین جمهوری اسلامی و برقراری یک نظام خشن زن ستیز، هزاران نفر در شهرهای مختلف، از جمله در تهران، کرج، مشهد، ارومیه، کرمانشاه،

در گرامیداشت این روز، در اعتراض به حجاب اسلامی و زن ستیزی اسلامی بودیم. برای اولین بار در ایران حجاب به آتش کشیده شد. صدها زن در ایران در آکسیون های ۸ مارس حجاب های خود را بدور انداختند. پرچم یک مبارزه توده ای و رادیکال و خودآگاه و تعرضی برای رهایی زن عملاً برافراشته شد.

آذر ماجدی

۸ مارس امسال یک واقعه مهم و تاریخی بوقوع پیوست. هم در داخل ایران و هم در خارج کشور، بدنبال فراخوان و تبلیغات فشرده حزب کمونیست کارگری در ایران، ما شاهد تظاهرات ها و مراسم های کوچک و بزرگ متعدد

خاتمی در مجلس

... و ناگهان هیچ اتفاقی نیافتاد!



محسن ابراهیمی

مجلس نشانه ای از "احترام به ملت" است؛ که خاتمی در این روز، از "ناگفته ها" سخن خواهد گفت؛ که خاتمی ملت را "از انتظار در خواهد آورد" (کذا) و خواهد گفت که آیا تصمیم دارد چهار سال دیگر خدمتگزار مردم بماند یا نه.

روز موعود فرا رسید. شعبده باز بساط پهن کرد. عبا جمع تر کرد و عمامه عقب تر زد. ورد خواند و آسمان ریسمان کرد و همان اراجیفی را که چهار سال است تحویل مردم میدهد با همان عبارات و باهمان اداها و اطوارهای نخ نمایش مجدداً تحویل داد و دست آخر در میان تحسین و کلاهی اسلام عبا و عمامه راست و ریس کرد و

با بی اعتنائی کامل به سنولات خبرنگاران منتظر دوم خرداد، بدون یک کلمه جواب البته با لیخندی برلب راهش را کشید و به دفترش برگشت. بدین ترتیب بخشی از شعبده اسلامی یکشنبه تمام شد بدون اینکه شعبده باز خرگوشی از زیر عباش در بیآورد و نشان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفته های هفته

علی جوادی

ali_javadi@yahoo.com

"سال امیرالمومنین"

سال "فروپاشی نظام"!

هفته‌های پایانی سال، هفته‌هایی پرتلاطم در جنگ جناح‌های رژیم اسلامی بود. دوم خرداد تاج زاده را از دست داد. تاج زاده "قربانی" شد. اما دوم خرداد همچنان "آرامش فعال" خود را حفظ کرد. اعتراض چندان نکرده. بهزاد نبوی با اشاره به مراسم شنبع "عید قربان" گفت: "این عیدی است که همه باید قربانی بدهند ما نیز یک قربانی دادیم و خدا انشاءالله او را از همه ما قبول کند." از قرار موسوی لاری نفر بعدی است. اما در پس شدت گیری جدال جناح‌ها این سرنوشت نظام اسلامی است که به روشنی ترسیم میشود. در روزهای پایانی سال ظهور "نیروی سوم"، "فروپاشی نظام"، بحث و مشغله اصلی جناح‌ها بود.

ابوالفضل شکوری نماینده زنجان در مجلس اسلامی جوهر مسئله را بیان کرد: "کشتی انقلاب در آستانه غرق شدن است و هر دو جناح را با خود غرق خواهد کرد." و خطاب به "برادران و خواهرانش" گفت: "باید توجه داشته باشیم وضعیت کشور از نظر بحران به حد اعلای خود رسیده است." محمدرضا تاجیک مشاور خاتمی میگوید: "جناح رقیب تصور نکند که اگر جنبش دوم خرداد به بن بست برسد، ملت به آنها روی خواهد آورد. . . به بن بست

رسیدن جنبش دوم خرداد سبب میشود مردم راه سومی انتخاب کنند." حقیقت جو این واقعیت را به گونه دیگری بیان میکند: "اگر امکان تغییر درون را فراهم نشود، طبیعتا شکل مطالبات به گونهای دیگر خواهد بود." عباس عبدی در این زمینه افزود: "اگر مطبوعات بی کیفیت بود، یعنی معرف تمام دیدگاهها، افکار و عقاید بخشهای مختلف درون جامعه نباشند، .. جامعه قطبی و شکننده تر میشود. در این صورت، فروپاشی، سرنوشت نهایی آن خواهد بود." و اضافه میکند: "چون اسلام در ۲۰ سال گذشته به مردم ایران به زور تحمیل شده، لذا اکثریت مردم ایران امروز این نوع اسلامی را نمی‌خواهند." و پیش بینی کرد: "اگر روش ۲۲ سال گذشته ادامه یابد بهتر از سقوط نظام، آینده دیگری پیش بینی نمیشود." عطری از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت این سرانجام را چنین بیان کرده است: "میتلا شدن هر سیستمی به بحران‌های چندگانه سرنوشتی جز فروپاشی برای آن در بر نخواهد داشت." نکته اصلی سخنرانی خاتمی در مجلس هم همین واقعیت بود: "آن چیزی که باید آماج ذهن و عمل شما قرار بگیرد مسئله براندازی است" کیانوش راد این "پیام" را روز بعد اینطور خلاصه کرد: "رئیس جمهور فراتر از بود و نبود خود



نسبت به بود و نبود "اصل نظام" اظهار نگرانی کرد." و این فقط دوم خردادها نیستند که "فروپاشی" مشغلهشان است. جناح راست هم در همین زمین دست و پا میزند. موحدی کرمانی نماینده ولی فقیه در سپاه میگوید: "در مقابل حرکات براندازی دشمن باید تمام امکانات خود را بسیج کنیم. . . امروز خواب و استراحت مجاز نیست. باید بیدار و در سنگر باشیم." روزنامه جمهوری اسلامی تاکید کرد که اختلاف‌های دو جناح رژیم "بیش از حد عمیق شده و به مرحله خطرناکی رسیده است." مصباح یزدی به این مجموعه نیز نگرانی‌اش از سرنوشت اسلام را هم اضافه میکند. "اگر نظام فرو پاشد، اسلام ضربه می‌خورد. ده نمکی سرلشکر اوپاش اسلامی میگوید: "واقعیتها نشان دهنده یک آتش زیر خاکستر است"

اما در این میان دفتر تحکیم وحدت فشار "نیروی سوم"، آتش زیر خاکستر" را به عیان بیان میکند: "سالیانی پیش مرحوم مهندس بازرگان، خطاب به محمد رضا پهلوی گفت ما آخرین نسلی هستیم که با شما یا این زبان سخن می‌گوییم، به آنان که در کار تشخیص ملکند یادآوری میکنیم که اصلاحات، آخرین راه درمان گسست نسلهاست. اگر انحصار طلبان یا فشارهای همه جانبه و اقدامات غیر قانونی متوقفش کنند، سرانجام آن گسست، پیشاپیش آشکار است" جمهوری اسلامی سال ۷۹ را سال "امیرالمومنین" نام گذاشت. اما جنبش سرنگونی طلب مردم در این سال مهر خود را بر تحولات اجتماعی ایران کوبید. اما سال ۷۹ سال آغاز عملی فروپاشی جمهوری اسلامی بود. "فروپاشی"! این لغت کلیدی است. اکنون "فروپاشی نظام" به لغتی کلیدی در فرهنگ لغات هر دو جناح تبدیل شده است!

۸ مارس ۱۳۷۹
یک روز تاریخی بود

از صفحه ۱

azarmajedi@yahoo.com



سنندج و سراسر کردستان ۸ مارس را گرامی داشتند، اجتماعات بسیاری برگزار کردند و شعار آزادی زن را فریاد زدند. زنان حجاب های خود را بدور انداختند. در پارک ها مراسم های ۸ مارس سازمان دادند و درباره حقوق زنان و آزادی زن سخنرانی کردند، تراکت و اعلامیه در دفاع از حقوق زن و کمپین حزب کمونیست کارگری پخش کردند، دیوارها را با شعار "آزادی، برابری"، "نه روسری نه توسری" و "زنده باد حزب کمونیست کارگری" تزئین کردند.

۸ مارس ۱۳۷۹ در تاریخ جنبش برابری طلبی زنان و جنبش کمونیستی ایران بعنوان روز اعتراض رادیکال علیه زن و آپارتاید جنسی ثبت خواهد شد، همانگونه که ۸ مارس ۱۳۵۷ بعنوان روز سرکوب آزادی زن و هجوم خشن جمهوری اسلامی به زنان ثبت گشته است. در اوایل قرن زنان در کشورهای اسلام زده شوری در حفاظ ارتش سرخ حجاب های خود را بدور ریختند. یک قرن بعد در ایران زنان مبارز و آزادیخواه بدنبال فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران و علیرغم نیروهای انتظامی این رژیم زن ستیز چنین کردند.

در سطح بین المللی نیز صدها نفر در اروپا، کانادا و استرالیا بدنبال فراخوان حزب کمونیست کارگری در مراسم های ۸ مارس و سوزاندن حجاب شرکت کردند. این مراسم در رسانه های مختلف انعکاس وسیع یافت و صحنه های به آتش کشیدن حجاب اسلامی و سخنانی که در محکومیت زن شد به درون خانه های میلیون ها نفر رفت. صدها نفر قطعنامه حزب کمونیست کارگری در

محکوم کردن حجاب، آپارتاید جنسی و زن ستیزی جمهوری اسلامی را امضاء کردند. بمناسبت ۸ مارس کمپین وسیعی سازمان پیدا کرد تا به جهانیان اعلام شود حجاب اسلامی سمبل بردگی زن است، و باید بهمین عنوان برسمیت شناخته شود.

فعالین و کادرهای حزب کمونیست کارگری بیش از یک دهه است که فعالیت همه جانبه ای را در سطح بین المللی در افشای نظریات ارتجاعی ای که حجاب را پوشش داوطلبانه زنان در کشورهای اسلام زده معرفی میکنند، و بیحقوقی تحمیل شده بر زنان در این کشورها را فرهنگ خود مردم مینامد، به پیش برده اند. نظریاتی که در پرتو تز نسبیست فرهنگی و توسط رسانه ها، دولت‌ها و آکادمیسین های غربی مطرح و تبلیغ میشوند. کمپین وسیع حزب کمونیست کارگری بمناسبت ۸ مارس در ابعادی وسیع ارتجاعی بودن چنین نظراتی را به تثبیت رساند.

۸ مارس یکبار دیگر در سطحی وسیع، همچون اوایل قرن بیست، با جنبش کمونیستی پیوند خورد. در ۸ مارس ۲۰۰۱ جنبش کمونیستی در پیشاپیش صفوف محکم آزادیخواهان برای رهایی زن قرار گرفت. این روز تاریخی است و در تاریخ جنبش برابری طلبی زنان و جنبش کمونیستی ثبت خواهد شد.

انترناسیونال هفتگی را در ایران
و خارج تکثیر و پخش کنید

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنویید
www.radio-international.org

دست از سرش بردارید!

کاظم نیکخواه

خاتمی این هفته به مجلس رفت تا زبان باز کند و از خود و برنامه هایش سخن بگوید. یاران درمانده و مستاصل دوزخ‌دیش دو سه هفته آزرگار برای این سخنرانی انتظار کشیده بودند. روی جمله به جمله اش بحث و پیش بینی و تفسیر و شرط بندی کرده بودند. تپش قلبهایشان بالا رفته بود، مستقیم و غیر مستقیم به او رسانده بودند که از چه بگوید و از چه نگوید. امید دوباره ای یافته بودند که خون تازه ای در رگهای خشکیده جنبش متوفی دوم خرداد جاری خواهد شد. گفتند خاتمی نگفته ها را خواهد گفت. به راستها حمله خواهد کرد. از یاران زندانی اش دفاع خواهد کرد. استراتژی نامزدی خود را برای انتخابات بعدی اعلام خواهد کرد.

بیشک روز یکشنبه که خاتمی سخن میگفت با شنیدن هر جمله گفته اند جمله بعدی آن چیزی است که انتظارش را کشیده اند. ... بیچاره ها تمام رویاهایشان نقش بر آب شد. خاتمی بیش از هر کس "زبانده خواهی" پایینی های دوم خرداد را مورد نقد قرار داد و تنها فشارش به راست این بود که بازهم در آستانه قهر کردن از نامزدی انتخابات پا فراتر نهد.

خاتمی آمد تا اعتراف کند که جنبش دوم خرداد شکست خورده است. آمد تا بگوید دوم خرداد هیچ هدفی جز نجات جمهوری اسلامی از بحران و بن بست را دنبال نمیکرده است. خاتمی گفت که در آستانه دوم خرداد ۷۶ جمهوری اسلامی در بحرانی ترین وضعیتش بسر میبرد. از نظر بین المللی منزوی بود، نسل جدیدی آمده بود که توقعاتش پاسخ نمیگرفت و ناراضی بود، اقتصاد در آستانه ورشکستگی

... و ناگهان هیچ اتفاقی

از صفحه ۱

نمایندگان اسلام بدهد. اما اصل معرکه تازه بعد از غیبت معرکه گیر اصلی شروع شد. وکلای اسلام و سردبیران مطبوعات اسلامی-ملی-دوم خردادی دست به کار شدند تا "ملت" را قانع کنند که مبدا "تا امید" شود؛ که رئیس جمهور "به خاطر حفظ مصالح ملی بسیاری از حقایق را در سینه خود حبس کرد؛ که "در صحبت دو ساعته نمیشود همه حرفها را زد؛ که "ادبیات (!؟) و رفتار خاتمی نشان داده است که اهل خیلی صریح حرف زدن نیست؛ که "فرصتهای دیگری در آینده برای بیان مطالب وجود دارد." در کنار این وکلا و سردبیران قسم خورده اسلامی، رکابداران قدیمی "امام" و دوستان "چپ" حجت الاسلام خاتمی در حزب توده و اکثریت، یاران مفسر طلبه های مدرن و دمکرات در بی بی سی و رسانه های دول غرب، در یک کلام، مشاوران خودگمارده

"دمکراسی اسلامی" دست بکار شدند و ضمن اعلام حق شناسی و همدردی با "مشکلات عدیده رئیس جمهور محترم"، گفتند که اگر رئیس جمهور اندکی بیشتر لب نکشاید، مردم پاک از امامزاده دوم خرداد ناامید میشوند و آنگاه دیگر دیر میشود. انصافا باید اعتراف کرد که رئیس جمهور، در روز یکشنبه فقط پرده پوشی نکرد. حقایقی را هم به زبان آورد. برای مثال، اعتراف کرد: "می دانم بخش قابل توجهی از مردم در سختی و مشقت بسر میبرند ... فراوان زحمت میکشند و کمتر دریافت میکنند ... اما برای کارهای بزرگ باید رنجهای بزرگ کشید، مگر رهبر معظم انقلاب رنج و زحمت نمیکشند؟ مگر مسئولان در فشار نیستند؟" مقایسه خامنه ای با مردم؟ کنار هم قرار دادن سرکرده منفور چاقوکشان اسلامی با مردمی عمیقاً متنفر از اسلام و دار و دسته اسلامی؟ این دیگر یک وقاحت سیاسی صد در صد اسلامی است. واقعا که "محیط پست احمق نواز سفله

پرور و رجاله پسند" جمهوری اسلامی چه موجوداتی را تولید کرده است. این وسط، یکی از میان خودشان، انصاری راد، رئیس کمیسیون اصل نود، شاید از سر پخمگی، تمام حقیقت شعبده بازی یکشنبه، همان حقیقتی را که مردم مثل کف دست میدانند در یک جمله بیان کرد: "رئیس جمهور قبلا با رهبری ملاقاتی داشته و یک نوع هماهنگی صورت گرفته است." و این اصل ماجراست. همه میدانند که قرار است یابوی دیگری به گاری اصلاحات ببندند. اسم این یابو "جریان نوآندیشی اسلامی" است و اخیرا از طویله جناح راست بیرون زده است و سرسپرده ولی فقیه است. با این حساب، بی تردید مردم در مقابل خود صحنه های تماشایی در پیش خواهند داشت. صحنه هایی که در آن این یابوهای اسلامی، زیر هجوم اعتراض مردم، در سربلایی مقابلهشان، همدیگر را گاز خواهند گرفت و به مردم جفتک خواهند پراند و با سر ته دره سقوط خواهند کرد.

میخواهد" به این واقعیت سخت و غیر قابل انکار اعتراف نمود. آری مردم حقشان را میخواهند، کارگر حقش را میخواهد، زن حقش را میخواهد، جوان حقش را میخواهد. همه اینها عزم کرده اند که این حق را بگیرند و به کرسی بنشانند. حق این جماعت هم جز با بگور سپردن حکومت مذهب و مسجد و تکیه و حوزه علمیه بدست نخواهد آمد. زندگی ای شایسته انسان، شادی، رفاه، آزادی بیان و تشکل و اجتماع و.. هیچکدام از این حقوق ابتدایی تا پیش از به زیر کشیدن سیاه ترین نیروی تاریخ بشر یعنی حکومت مذهبی سرمایه داران قابل دست یافتن نیست. این را مردم فهمیده اند. میفهمیده اند. و تصمیم گرفته اند بهیچ وجه فراموش نکنند.

پروژه دوم خرداد همانگونه که خاتمی گفت پروژه ای بود برای بیرون کشیدن جمهوری اسلامی از بحران سیاسی و اقتصادی. قرار بود مردم به خانه هایشان رانده شوند. سکوت گورستانی بر این جامعه حاکم شود. و سرمایه گذاران غربی و شرقی تحت عنوان دیالوگ تمدنها و فرهنگها دعوت شوند تا بیایند و ببینند که زیر چتر جمهوری اسلامی بیش از هر حکومت دیگری میشود استعمار کرد و سود برد و چایید. قرار بود سرمایه داری اسلامی را به عنوان الگوی استعمار به همه عالیجنابان تشنه سود در غرب معرفی شود. تئورسنتهایش را آموزش داده بودند.

به خیابانهای ایران نگاه کنید! به کارخانه ها و خانه ها و دانشگاهها بنگرید! چه زمانی بیش از امروز زمین زیر پای جمهوری اسلامی در لرزه بوده است؟ مردم میخواهند آنچه را سزاوارش هستند حاکم کنند: دنیایی خوب و شاد انسانی. آخوند خندان و عمامه خاکستری پیشکش همان پاسدار ژورنالیستهای دوم خردادی و سوسیال-اسلامیستهای اکثریتی توده ای و شرکا!

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی کمیته کردستان:

0049-177 569 2413

بهروز مدرسی -دبیر سازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کنفرانس سالانه تشکیلات بریتانیای حزب کمونیست کارگری برگزار شد

در روزهای ۱۰ و ۱۱ فوریه کنفرانس سالیانه تشکیلات حزب کمونیست کارگری در انگلیس با شرکت ۱۲۰ نفر از اعضاء و ناظرین برگزار شد. در این کنفرانس آذر ماجدی، مریم نمازی و اصغر کریمی از دفتر سیاسی و بهروز مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست شرکت داشتند. کورش مدرسی و منصور حکمت نیز در روز دوم مدت کوتاهی در کنفرانس حضور یافتند.

کنفرانس کار خود را پس از سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم با سخنرانی افتتاحیه رحمت فاتحی دبیر کمیته تشکیلات بریتانیا و اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج کشور شروع کرد. سخنرانان با بررسی اوضاع متحول سیاسی در ایران و نقش حزب کمونیست کارگری، بر اولویتها و جایگاه فعالیتهای حزب و تشکیلات بریتانیا تاکید کردند.

کنفرانس سپس به بررسی مجموعه فعالیتهای تشکیلات بریتانیا در یک سال گذشته و اولویتهای دوره آتی پرداخت و بر لزوم حضور هرچه بیشتر حزب

در صحنه سیاسی، قابل دسترس بودن آن در سطح جامعه و ادامه و گسترش مبارزه در عرصه های مختلف پرداخت و با توجه به روی آوری گسترده به حزب بر آموزش اعضای تازه و نیز گسترش امکانات مالی تاکید گذاشت.

بخشی از کنفرانس به جلسه گفت و شنود با رهبران حزب اختصاص داشت. در این جلسه سخنرانی ها و بحثهای بسیار پر شور آذر ماجدی، مریم نمازی و اصغر کریمی از اعضای دفتر سیاسی مورد استقبال وسیع شرکت کنندگان قرار گرفت. سخنرانان در مورد اوضاع سیاسی ایران، موقعیت خطیر حزب کمونیست کارگری، مبارزات جاری مردم علیه جمهوری اسلامی، و فرصت تاریخی کنونی برای پیشروی این مبارزات صحبت کردند و به سوالات شرکت کنندگان پاسخ دادند. در روز دوم کنفرانس منصور حکمت در سخنرانی کوتاهی تبدیل خارج کشور به یک قلمرو اعتراض به مراتب وسیعتر و توده ای تر علیه رژیم اسلامی را یک وظیفه مبرم تشکیلاتهای حزب در کشورهای مختلف خواند و

همچنین با اشاره به پیوستن رزافرون اعضای جدید و بویژه جوان به حزب، بر مبرمیت آموزش مارکسیسم و تاریخ کمونیسم و حزب به اعضای جدید تاکید کرد.

در طول کنفرانس همچنین بهروز مدرسی دبیر سازمان جوانان کمونیست مریم نمازی دبیر فدراسیون فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی درباره اهداف و سیاستهای این نهادها سخنرانی کردند.

در این کنفرانس ۱۱ نفر از ناظرین در میان استقبال گرم حاضرین به عضویت حزب درآمدند.

کنفرانس ۱۵ نفر را بعنوان کمیته حزب در انگلیس انتخاب کرد: سام آزاد، جواد اصلانی، فریبرز پویا، جلیل جلیلی، نسرين جلالی، بهرام سروش، سهیلا شریفی، مریم شهابیان، محمد فتاحی، سعید قادریان، امان کفا، جمال کمانگر، مریم کوشا، رامین نیاکان و لطیف نیک. در اولین جلسه کمیته مریم کوشا بعنوان دبیر کمیته انتخاب شد.

انجمن مارکس لندن

ورود برای عموم آزاد است
منصور حکمت

شنبه ۲۴ مارس

دو سمینار در یک روز

ساعت ۱۱ تا ۲:

زمینه ها و نتایج بحران و انشعاب اخیر

در کومه‌له: رئیس سیاست حزب کمونیست کارگری

ساعت ۳/۵ تا ۷:

تحولات ایران: آیا پیروزی کمونیسم ممکن است.

محل

برای اطلاع از محل سمینارها میتوانید از روز چهارشنبه به سایت انجمن مارکس مراجعه کنید یا با تلفن و ای میل انجمن تماس بگیرید. محل جلسات همچنین جمعه آینده در شماره بعد انترناسیونال هفتگی اعلام میشود

وردیه ۶ پوند اعضای انجمن رایگان

Tel: 0771 461 1037 Fax: 0870 133 4206

Email: marxociety@yahoo.com

Website: www.marxsociety.com

راهپیمائی کارگران نساجی شهناز اصفهان

کارخانه نساجی شهناز (یا بافکار) اصفهان ۱۵۰۰ کارگر داشت. از اردیبهشت سال ۷۹ بخش "بافندگی" و "تکمیل" کارخانه که ۹۰۰ نفر در آن به کار مشغول بودند تعطیل شد و تنها بخش ریسنده با ۶۰۰ کارگر به کار ادامه داد. به کارگران قول دادند که قصد دارند کارخانه را نوسازی کنند و به خارج شهر منتقل کنند و آنگاه همه کارگران به کار باز خواهند گشت. اما این قول و قرارها فریبی بیش نبود. روز سه شنبه ۲۳ اسفند، ۱۰ روز بعد از راهپیمائی کارگران کارخانه سیمین، کارگران این کارخانه از کارخانه بیرون آمدند و بعد از یک راهپیمائی کوتاه در خیابان چهارباغ اصفهان تجمع کردند و خیابان را بند آوردند.

یک ماه حقوق کارگران کارخانه شهناز به آنها پرداخت نشده است، عیدی و مبلغی که ۲۲ بهمن باید به کارگران میدادند، سهمیه پارچه و ۱۵ درصد اضافه کارگران بیکار شده را هنوز نداده اند و کارگران در مقابل این اجحافات دست به اعتراض زدند. نیروهای انتظامی در محل حاضر شدند کارگران تجمع خود را در حوالی ساعت ۱۲ پایان دادند و تهدید کردند چنانچه تا روز شنبه ۲۷ اسفند پاداشها و حقوق معوقه آنها پرداخت نشود به خیابان خواهند آمد.

روز ۲۳ اسفند یک روز پس از شروع اعتصاب کارخانه احیا، کارگران بخش اسلب یک و دو وابسته به صنایع فولاد نیز دو ساعت اعتصاب کردند. کارگران این دو بخش تهدید کردند که چنانچه حقوق آنها فوراً پرداخت نشود روز بعد یعنی امروز ۲۴ اسفند دست به اعتصاب طولانی مدت خواهند زد. کارفرما قول داده است به خواست کارگران رسیدگی کند. لازم به توضیح است که شرایط کار ۱۵۰ کارگر این بخش از مجتمع فولاد بسیار سخت و خطرناک است.

کارگران کارخانه احیاء ۲ در اهواز دست به اعتصاب زدند

کارگران کارخانه احیا دو وابسته به صنایع فولاد اهواز از روز دوشنبه ۲۲ اسفند دست به اعتصاب زدند و تولید کارخانه را کاملاً متوقف کردند، اعتصاب تا دیروز ۲۳ اسفند نیز ادامه داشت، خواست کارگران پرداخت فوری حقوق های معوقه و عیدی است، نمایندگان کارگران حدود ۱۰ روز قبل طی نامه ای به اداره کار و کارفرما و بیمانکار را خنثی کرده است.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

به حزب کمونیست کارگری
کمک مالی کنید

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com www.iwsolidarity.com
www.wpiran.org www.medusa2000.com
www.rowzane.com www.marxsociety.com
www.hambastegi.org www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:

www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England